

بسم الله الرحمن الرحيم

عشقِ یحییٰ

سراینده:

علی اصغر کریمی (ولایت تنکابن)

سرشناسه	: کریمی، علی اصغر، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: عشق یعنی .../سراینده علی اصغر کریمی (ولایی تنکابنی).
مشخصات نشر	: قزوین: مهرگان دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۹۴ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۴-۶۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۵۸
رده بندی دیویی	: ۶۲/۱۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۱۰۰۱۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



آدرس: قزوین، خیابان شهید بابایی - کوچه ۳۵ - کوی مهرگان - پلاک ۴ ۰۲۸-۳۳۲۲۹۵۸۸-۰۹۱۲۲۸۱۶۴۵۲

عشق یعنی...

- سراینده: علی اصغر کریمی (ولایی تنکابنی)
- نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
- ناشر: مهرگان دانش
- صفحه آرا: مرضیه طاهری
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۳,۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۴۴-۶۲-۵

@velayee_tonekaboni

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	عشق یعنی یک جهان صبر و امید.....
۱۱.....	مرا بر درد عشقت مبتلا کن.....
۱۲.....	سعادت یار شد کز باده مستی.....
۱۳.....	چه خوش روزی که یار من تو گردی.....
۱۵.....	رویش فتنه به هر سو در نگر.....
۱۸.....	بلبلی اندر گلستان دلم جا کرده بود.....
۱۹.....	باغبان را چونکه باشد معرفت.....
۲۰.....	نمی‌خواهی که من بهم نگاهت.....
۲۱.....	چشمان من از شمس جمالت به در آمد.....
۲۲.....	رونق بازار دل عشق است و بس.....
۲۳.....	صبا از یار من یکدم خبر آر.....
۲۴.....	دل به دیدار تو بستم.....
۲۵.....	مرا از عقل و هوشیاری بری کن.....
۲۶.....	اذکرونی چونکه آمد رمز و راز یار ما.....
۲۷.....	جلوه رویت ز ما دل می‌برد.....
۲۸.....	مرغ دل حال و هوای یار کرد.....
۳۰.....	وصالت ای صنم بیچاره‌ام کرد.....
۳۱.....	نامت چو بشنوم من اشکم روانه گردد.....
۳۲.....	الا یا ایها الساقی بده بر من می از جامی.....
۳۳.....	ای یوسف زمانم آتش گرفته‌ام.....
۳۴.....	من و تو گوئیا یاری نداریم.....

- ۳۵..... یار بی‌همتای من در راه به رویم باز کن
- ۳۶..... این جهان چون باده باشد آدمی هم باده‌نوش
- ۳۷..... شور دل از بهر شیدایی بود.....
- ۳۸..... زندگی چون باد ضَرُصَر در وزان
- ۳۹..... در دلم آید ندای ای مُمْتَحَن.....
- ۴۱..... ملاقاتم به نیکو سیرتی شد.....
- ۴۳..... بی‌خلل یا بی‌جهان را ای صنم.....
- ۴۴..... این شنیدی تو ز ارباب سخن؟.....
- ۴۵..... عمری چه سخن‌ها که نگفتم و شنیدیم.....
- ۴۶..... در گلستانی که گل‌های فراوان می‌دهد.....
- ۴۷..... بگذر از این عشق نافرجام جان.....
- ۴۸..... پرسشی من از تو دارم ای یقیق.....
- ۵۰..... عطر و بوی وصل یار بی‌مثال آید همی.....
- ۵۱..... چشم دل را باز کن پران شوی.....
- ۵۲..... بلبلِ بهر گلی پرواز کرد.....
- ۵۳..... بشکن این دیوار بین جان و تن.....
- ۵۴..... شبی دیدم وجودم پر ز درد است.....
- ۵۵..... الا ای مهر گردون جهان تاب.....
- ۵۶..... نگار خوش جمال من، تا که تویی کنار من.....
- ۵۷..... خواهد آمد روز سختی بس عظیم.....
- ۵۸..... ای که درت درگه امیال ما.....
- ۵۹..... چنین گویند یاران، بر علی فخر است.....
- ۶۰..... قدر زهرا^(س) را که داند جز نبی و جز خدا.....